

فرماندهی معظم کل قوا: «امروز دنیا با یک حادثه عظیم مواجه است؛ این حادثه عظیم عبارت است از بیداری اسلامی؛ این یک حقیقت است» (۱۳۹۱/۰۹/۲۱)

مقاله پژوهشی: هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی امنیتی ترکیه در تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا

سید جلال دهقانی فیروزآبادی^۱ و محمد فتحعلی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۰/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۳۰

چکیده

ترکیه به‌عنوان یکی از بازیگران اثرگذار در منطقه غرب آسیا، ابتدا با راهبرد «مشکلات صفر با همسایگان» کوشید بازی برد-برد را اعمال کند؛ اما با عقب‌نشینی از این سیاست، به نقش آفرینی در تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا پرداخت. در این پژوهش هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی امنیتی ترکیه در سیاست خارجی مورد بررسی قرار گرفته است. این پژوهش بر مبنای تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا به بررسی نقش این کشور از دید پیامدهای مترتب بر «توازن قدرت در منطقه غرب آسیا»، می‌پردازد. در این تحقیق از روش آمیخته کیفی و کمی استفاده گردیده است. فرضیه مقاله این است که محور اصلی موضع‌گیری‌های ترکیه در خصوص تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا، مبتنی بر اصول حاکم بر نظریه واقع‌گرایی است. توجه به هدف‌ها و مطلوبیت‌های ترکیه در قبال تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا از آن جهت اهمیت دارد که سیاست‌های ترکیه در این تحولات بر محیط نزدیک ج.ا.ایران (عراق) و محیط دور آن (سوریه، مصر، تونس و لیبی) اثرگذار بوده و از این رهگذر می‌تواند منافع و امنیت ملی ج.ا.ایران متأثر از خود کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، ترکیه تحولات را فرصتی ارزشمند برای پیشبرد هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی و امنیتی حزب عدالت و توسعه تلقی و در نتیجه رویکرد فرصت‌طلبانه در قبال آن به کار گرفت که در قبال هر کشور به‌گونه‌ای تبلور یافته است.

واژگان کلیدی: مطلوبیت‌های سیاسی - امنیتی، ترکیه، تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا، بیداری اسلامی.

۱. دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی - jdeghani20@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) - Mfa799@yahoo.com

مقدمه

جهان معاصر آوردگاه تحولات شگرف و شتابنده است. عدم قطعیت^۱ و سرعت تحولات از ویژگی‌های بارز عصری است که در آن زندگی می‌کنیم. در یک دنیای نامطمئن و همراه با عدم قطعیت، دولت‌ها از راه دستیابی بر آگاهی و بینش دقیق، به موقع و کافی نسبت به تحولات داخلی و خارجی جاری و آتی، در پی به دست آوردن برتری و مزیت، نسبت به سایر کشورها و عوامل تهدیدکننده و رقیب می‌باشند. در این جهان دستخوش تغییر و تحول، تغییرات چنان غافلگیرکننده و برق‌آسا از راه می‌رسند که حتی لحظه‌ای درنگ می‌تواند به بهای گزاف غافلگیری راهبردی در عرصه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی تمام شود. (خزایی، ۱۳۸۹: ۱)

از نوامبر ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۱ ه.ش) بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، نگاه جدیدی بر نظام سیاسی این کشور حاکم شد که این نگاه در سیاست خارجی آن برجسته تر بوده و دستاوردهای زیادی برای تقویت جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی آنکارا داشته و در پایداری سه دوره‌ای حکومت این حزب نقش فراوانی بازی کرد. مهم‌ترین نشانه این نگاه نوین، در حوزه شمال آفریقا و غرب آسیا بوده که پیوندهای مذهبی، سابقه تاریخی تسلط امپراتوری عثمانی بر این حوزه به همراه نقش بین‌المللی که دولتمردان حزب عدالت و توسعه برای این کشور تعیین کردند، ترکیه را به یکی از مهم‌ترین کشورهای اثرگذار بر تحولات سیاسی و اجتماعی کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا بدل ساخت.

پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از چارچوب نظری حاکم بر نظریه واقع‌گرایی با بررسی هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاست خارجی ترکیه، الگوهای رفتاری و عوامل مؤثر بر نوع رویکرد و سیاست‌های این کشور در قبال تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا را شناسایی نماید.

۱. کلیات

۱-۱. بیان مسئله

جنبش‌های مردمی در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹ ه.ش) از تونس آغاز و به سرعت این مناطق را در بر گرفت. رهبران ترکیه این تحولات را فرصتی ارزشمند برای عملیاتی کردن سیاست‌های خود تلقی کردند و به دنبال افزایش نقش و جایگاه منطقه‌ای و نفوذ خود برآمدند. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵:۱۷۶) آن‌ها معتقد بودند این تحولات زمینه را برای تبدیل ترکیه به یک بازیگر مهم در معادلات غرب آسیا فراهم ساخته است. بنابراین رویکردها و سیاست‌های ترکیه در قبال کشورهای دستخوش انقلاب از یک سو آثار زیادی بر تحولات هر یک از کشورهای این منطقه برجای گذاشت و از سوی دیگر این کشور کوشید با بهره‌برداری از این تحولات، در راستای ارتقای موقعیت و منافع منطقه‌ای و جهانی خود استفاده نماید. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵:۱۷۷) بر اساس آنچه بیان شد، سؤال اصلی پژوهش حاضر «هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی امنیتی ترکیه در تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا» است.

۲-۱. اهمیت و ضرورت تحقیق

پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از چارچوب نظری حاکم بر نظریه واقع‌گرایی، با بررسی هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاست خارجی ترکیه، الگوهای رفتاری و عوامل مؤثر بر نوع رویکرد و سیاست‌های این کشور در قبال تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا را شناسایی نماید. این مسئله از آن جهت اهمیت دارد که آگاهی از نقش ترکیه به‌عنوان یک بازیگر مهم در سطح منطقه نیازمند بازشناسی هدف‌ها و مطلوبیت‌های این کشور در سیاست خارجی است.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند در طراحی و تدوین سیاست‌های ج.ا.ایران در قبال ترکیه مورد بهره‌برداری قرار گرفته و اطلاعات کاربردی مناسبی برای طراحی و تدوین راهبرد مناسب در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. افزون‌بر این، به شناخت بهتر محیط منطقه‌ای و

پیامدها و آثار آن بر منافع و امنیت ج.ا.ایران کمک می‌نماید. همچنین می‌تواند به تقویت جبهه مقاومت و یافتن راه‌حل‌های سیاسی مناسب برای بحران سوریه کمک کند.

نبود شناخت جامع و فراگیر در مورد نقش ترکیه در تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا و آثار و پیامدهای آن در سطح منطقه و جهان، ج.ا.ایران را در مقام طراحی و پیشبرد سیاست‌های تأمین‌کننده امنیت و منافع ملی با محدودیت مواجه می‌سازد. افزون‌بر این با توجه به پیامدهای عظیم تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا، بی‌توجهی به ابعاد مختلف این رویداد نه تنها ج.ا.ایران را از این فرصت تاریخی برای بهبود موقعیت خود و پیشی‌گرفتن از رقبا محروم می‌سازد، بلکه زمینه پیشی‌گرفتن تاریخی رقبای منطقه‌ای بر ج.ا.ایران را فراهم می‌آورد. همچنین در سایه چنین شناختی، فرصت‌ها و تهدیدهای فراروی ج.ا.ایران در کشورهایی که دستخوش تحولات بوده‌اند نیز آشکار می‌گردد.

۳-۱. پیشینه تحقیق

درباره ترکیه و نقش آن در منطقه و تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا، پژوهش‌های داخلی و خارجی زیادی صورت گرفته که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

(۱) «بشیر اسماعیلی و همکاران» (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه» معتقدند که با وقوع انقلاب‌های عربی و ایجاد تحول در ساختار سیاسی این کشورها، رهبران حزب عدالت و توسعه از این فرصت استفاده کردند تا الگوی حکومتی خود را صادر نمایند. بروز تنش‌های داخلی و مداخله در بحران سوریه، افول سیاست خارجی ترکیه را به دنبال داشت. تنش ترکیه با سوریه به درگیری با روسیه و بروز اختلافات با ایران انجامید و در کنار همکاری با داعش افتضاح سیاسی را برای اردوغان پدید آورد. اصلاحات سیاسی اردوغان و حرکت به سمت فردی‌شدن حکومت که با استعفای «داود اوغلو» شروع و با اقدام‌های پساکودتایی در حال تکوین است، بر الگوی حکومتی ترکیه اثرگذار شد. به این ترتیب، همه تلاش‌های ترکیه برای حفظ و بازتولید الگوی روبه افول ترکیه در غرب آسیا، در سایه حوادث کودتا در این کشور بی‌اثر شده‌اند. (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵)

(۲) «هیشم سعد علوداه» (۲۰۱۶) در رساله خود با عنوان «منابع تغییر سیاست خارجی ترکیه نسبت به غرب آسیا در دوره حزب عدالت و توسعه: یک آزمون تجربی» نتیجه می‌گیرد که با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه وارد مرحله جدیدی شد و شاهد تغییراتی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. تغییرات سیاست خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه مورد توجه محافل علمی قرار گرفته است. بهترین راه برای درک تغییرات سیاست خارجی ترکیه از طریق شناخت نقش‌های چندگانه اقتصادی، سیاسی، داخلی و خارجی ترکیه همراه با منابع اعتقادی و نقش‌آفرینی سیاست‌مداران به‌ویژه شخص «رجب طیب اردوغان» و «احمد داوود اوغلو» است. (Aloudah, 2016)

(۳) «سید حافظ موسوی و همکاران» (۱۳۹۵) در مقاله خود با عنوان «تأثیر تحولات جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه» این‌گونه نتیجه می‌گیرند که ایران و ترکیه پس از پایان جنگ سرد همواره در حال رقابت بوده‌اند، اما تحولات جهان عرب، رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه را به اوج رساند، تا آنجایی که حکومت ترکیه اولویت‌های سیاست خارجی این کشور- به صفر رساندن مشکلات با همسایگان- را کنار گذاشت و روابط خود با ایران، عراق و سوریه را قربانی بلندپروازی رهبران حزب عدالت و توسعه نمود. (۴) «محمدجعفر آجورلو و همکاران» (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان «افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه و پیامدهای نظامی- امنیتی آن بر منافع ملی ج.ا.ایران در شرق مدیترانه (در بازه زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ میلادی)» معتقد است که افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه پیامدهای امنیتی مهمی در تغییر توازن قوا و تغییر ترتیبات امنیتی به ضرر ج.ا.ایران در پی دارد. همچنین می‌توان گفت افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه در شرق مدیترانه پیامدهای نظامی جدی بر کاهش پشتیبانی نظامی جبهه مقاومت اسلامی و تضعیف جایگاه نظامی ج.ا.ایران به دنبال خواهد داشت. (آجورلو و همکاران، ۱۳۹۶)

بر اساس مطالعه پژوهشگران درباره ترکیه و ویژگی‌های آن، منابع تدوین شده و ترجمه‌ای وجود دارد که بخش قابل توجهی از نیازهای مطالعاتی این پژوهش را تأمین نمود. بخش زیادی از منابع مورد مطالعه، مبتنی بر روش‌های تحلیلی توصیفی و با تمرکز بر منابع

کتابخانه‌ای انجام شده و فاقد دیدگاه خبرگان مطلع است. این پژوهش افزون‌بر اسناد در دسترس، بر نظر خبرگان نیز متمرکز می‌باشد.

۴-۱. سؤال‌های تحقیق

- (۱) هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی امنیتی ترکیه در قبال تحولات کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا کدام است؟
- (۲) اولویت هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی امنیتی ترکیه در قبال تحولات کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا کدام است؟

۵-۱. هدف‌های تحقیق

- (۱) شناخت هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی امنیتی ترکیه در قبال تحولات کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا؛
- (۲) اولویت‌بندی هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی امنیتی ترکیه در قبال تحولات کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا.

۶-۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، توسعه‌ای و کاربردی و از نظر رویکرد، آمیخته اکتشافی است. با توجه به ماهیت پژوهش، در این تحقیق از روش آمیخته کیفی و کمی استفاده گردیده است. در این راستا ابتدا با روش اسنادی، اخبار، پژوهش‌ها و اسناد در دسترس مربوط به هدف‌ها و مطلوبیت‌های ترکیه در قبال تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین به منظور دستیابی به دانش ضمنی موجود در این زمینه با ۱۵ نفر از خبرگان موضوع، مصاحبه عمیق انجام گرفته است. سپس داده‌های گردآوری شده با روش تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و مجموعه مؤلفه‌های سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا متناسب با

هدف‌ها و سؤال‌های پژوهش تنظیم گردید. در ادامه، نتایج به دست آمده از روش کیفی، از راه پیمایش خبرگی و مراجعه به ۴۳ نفر از صاحب‌نظران این حوزه در قالب پرسشنامه، مورد اعتباریابی قرار گرفت.

۱-۶-۱. جامعه تحقیق

جامعه پژوهش، شامل مدیران، مسئولین، کارشناسان و خبرگان آشنا به تحولات اخیر منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در کشورهای مورد پژوهش «ترکیه، تونس، مصر، لیبی، عراق و سوریه»، امنیت ملی ج.ا.ایران و حوزه روابط بین‌الملل است که دارای سوابق تجربی (اجرایی) و علمی در سطوح راهبردی و عالی در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی و نظامی مرتبط با کشورهای مورد مطالعه هستند. این جامعه، حدود ۷۰ نفر برآورد شد که از این تعداد دسته اول شامل ۱۰ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف سیاست خارجی بودند که در مرحله نخست تحقیق، مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. دسته دوم شامل ۶۰ نفر از خبرگان، مدیران و کارکنان سطوح مختلف سازمانی، پژوهشگران، استادان مراکز آموزشی و پژوهشی، سفرای کنونی و گذشته ج.ا.ایران در کشورهای مورد تحقیق می‌شد که در مرحله دوم پژوهش به منظور تکمیل پرسشنامه‌ها مورد رجوع محقق قرار گرفتند. در جدول شماره (۱) آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان، بر اساس میزان و زمینه تحصیلات و حوزه فعالیت ارائه گردیده است.

جدول شماره (۱): آمار توصیفی پاسخ‌دهندگان

تحصیلات	تعداد	درصد	زمینه تحصیلات	تعداد	درصد	حوزه فعالیت	درصد فراوانی
دکتری یا دانشجوی دکتری	۳۲	۷۴/۴	علوم سیاسی	۲۴	۵۵/۸	روابط دیپلماتیک	۳۰/۲
کارشناسی ارشد	۹	۲۰/۹	جغرافیا	۳	۷	نظامی امنیتی	۳۷/۲
کارشناسی	۲	۴/۷	نظامی امنیتی	۶	۱۴	آموزشی پژوهشی	۲۰/۹
			علوم راهبردی	۱۰	۲۳/۲	رسانه	۱۱/۶
جمع	۴۳	۱۰۰	جمع	۴۳	۱۰۰	جمع	۱۰۰

۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

۲-۱. مفاهیم

- تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا: منظور از تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا، رویدادهای اجتماعی سیاسی است که از اواخر سال ۲۰۱۰ در برخی از کشورهای این منطقه آغاز گردید و موجب برهم خوردن نظم موجود در آن‌ها شد که از آن‌ها با تعبیرهای مختلف بیداری اسلامی یا بهار عربی یا انقلاب‌های عربی یاد می‌شود. در نتیجه این تحولات، نظام‌های سیاسی برخی از کشورها فرو ریخته و یا سران آن‌ها سرنگون شدند؛ افزون بر این، کشورهای دستخوش این رویدادها هنوز به وضعیت باثبات نرسیده‌اند. در این پژوهش سه کشور تونس، مصر و لیبی از شمال آفریقا و سوریه و عراق از غرب آسیا مورد بررسی قرار می‌گیرند. واژه تحولات به‌طور معمول در ادبیات سیاسی، به مجموعه تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی درون یک کشور و یا مناسبات میان کشورها گفته شده که باعث تغییراتی در وضعیت موجود می‌گردد.

- بیداری اسلامی و بهار عربی: بیداری اسلامی اصطلاحی است که برای بیان جنبشی مبتنی بر آگاهی (نسبت به اصول رهایی‌بخش اسلام)، عمل سیاسی (اقدام برای تغییر شرایط موجود برای رسیدن به وضعیت مطلوب) و بر بنیاد اسلام‌خواهی (مبنی بر اهمیت و اولویت عنصر تکلیف دینی بر منافع زودگذر پیرامونی) شکل گرفته و هدف از آن استقرار نوعی نظام سیاسی است که برآمده از مبانی معرفتی - هویتی اصیل دینی باشد. (افتخاری، ۲۹:۱۳۹۱) بیداری اسلامی مفهومی است که معتقد است ماهیت تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا، اسلامی بوده و هدف آن رسیدن به حکومت اسلامی می‌باشد. به بیان دیگر، بیداری اسلامی زنده شدن دوباره در پرتو اسلام اصیل و تجدید حیات اسلام، معنا می‌دهد که در پناه آن، استقلال، عدالت و همه آموزه‌ها و ارزش‌های متعالی الهی، بار دیگر زنده می‌شود و یا حیات می‌یابد. (شیرودی، ۴:۱۳۸)

در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله) «بیداری اسلامی یک حالت برانگیختگی و آگاهی در امت اسلامی است که درهم‌شکننده حصارهای استبداد و استکبار بوده و به تحولات و

دگرگونی‌های بیرونی منجر شده است. عبارت بیداری اسلامی مفهوم نامشخص، مبهم و قابل تأویل و تفسیر نیست، بلکه یک واقعیت خارجی مشهود و محسوس است که فضا را انباشته و قیام‌ها و انقلاب‌های بزرگی را پدید آورده و با غافلگیرکردن شیاطین منطقه‌ای و جهانی، مهره‌های خطرناکی از جبهه دشمن را ساقط کرده است. از این رو باید با توکل بر خدا، درس‌آموزی از تجربیات تاریخ معاصر جهان اسلام و تکیه بر عقل و عزم و شجاعت، صحنه همچنان سیال تحولات منطقه مدیریت شود تا به سرانجام برسد». (بیانات در نخستین اجلاس بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶)

در مورد علل رخداد جنبش‌های اجتماعی اخیر جهان عرب دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. این تفاوت‌ها، به دیدگاه نظری مورد استفاده در تجزیه و تحلیل آن‌ها بازمی‌گردد. به‌عنوان نمونه، درحالی‌که از دیدگاه مکتب لیبرالیسم، این تحولات انقلاب‌هایی «لیبرال‌دموکراتیک» و با عنوان «بیداری ملی» معنا می‌شود، از دیدگاه نظریه‌سازانگاری به‌عنوان انقلاب‌هایی مذهبی، با عنوان «بیداری اسلامی» خوانده می‌شود. درحالی‌که از دیدگاه نظریه انتقادی روابط بین‌الملل با الهام از نظری‌های چپ، این تحولات با نام انقلاب‌های اجتماعی انسانی با عنوان «بیداری انسانی» و یا «بیداری اجتماعی و یا طبقاتی» معنا می‌شود. (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۲: ۲۲۳-۲۲۲)

در کنار تعبیرهای بالا، اصطلاح «بهار عربی» از جمله عنوان‌های مهم در توصیف رویدادهای منطقه بود که توسط رسانه‌های غربی مطرح و شایع گردید. اصطلاح بهار عربی برگرفته از اصطلاح «بهار پراگ» بود که در آن آزادی‌های فردی و اجتماعی در چک‌اسلواکی گسترش یافت.^۱ از آنجا که رویداد بهار پراگ به شکست حرکت مردمی انجامید، نامگذاری بهار عربی به خیزش‌های منطقه از سوی برخی، نشانه موسمی و گذرابودن این حوادث و فروکش کردن یا ناتوانی این خیزش‌ها در انجام تغییرات اساسی بود.

۱. این دوره از ۵ ژانویه ۱۹۶۸ میلادی (۱۳۴۷ ه.ش) شروع و تا ۲۰ اوت همان سال ادامه داشت. این دوره با حمله اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و متحدانش در پیمان ورشو (به‌غیر از رومانی) به چک اسلواکی به پایان رسید.

– **مطلوبیت‌ها:** واژه مطلوبیت^۱ در علم سیاست از علم اقتصاد^۲ به عاریه گرفته شده است. نگارندگان معتقدند منظور از مطلوبیت‌ها در علم سیاست، اصول و مبانی حاکم بر رفتار سیاسی کشورهاست که آن‌ها را به پیگیری هدف‌های معین در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی (ایدئولوژیک) وادار می‌سازد.

۲-۲. مبانی نظری

واقع‌گرایی یکی از مهم‌ترین نظریه‌های روابط بین‌الملل است که سیاست‌های جهانی را بر اساس رقابت دولت‌ها بر سر منافع ملی خود تعریف می‌کند. واقع‌گرایی، مهم‌ترین و پایدارترین نظریه روابط بین‌الملل محسوب می‌شود. نقطه متمایزکننده واقع‌گرایان از دیگران این بوده که آن‌ها جهان را «چنان‌که بود» و نه «آن‌چنان‌که می‌خواستند باشد» نظاره می‌کردند. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۴۰) به‌طور معمول، جاذبه این نظریه به دلیل نزدیکی آن با عملکرد سیاستمداران و فهم متعارف از سیاست بین‌الملل دانسته می‌شود. واقع‌گرایی یکی از نظریه‌های کلان روابط بین‌الملل به حساب می‌آید. نظریه واقع‌گرایی یکی از نظریه‌هایی بوده که برای مدت زمان زیادی به‌عنوان الگوی مسلط در عرصه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی مطرح بوده است. نگاهی به تاریخچه و چگونگی مطرح شدن آن به‌عنوان الگوی مسلط، کمک زیادی به فهم چگونگی رفتار و کنش در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی می‌کند. واقع‌گرایی به‌صورت یک رویکرد نظری برای تجزیه و تحلیل سیاست بین‌الملل از اواخر دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ وارد عرصه مطالعه روابط بین‌الملل شد. واقع‌گرایی در دهه ۱۹۶۰ به‌واسطه مسائل روش‌شناختی از سوی رفتارگرایان به چالش کشیده شد، ولی دوباره در دهه بعدی در قامت نوواقع‌گرایی ظاهر شد. (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۳۸-۸۳۵)

1. Utility

۲. مطلوبیت در علم اقتصاد مفهومی است که رضایت مصرف‌کننده از مصرف کالا و خدمات را نشان می‌دهد. (فرجی،

مکتب واقع‌گرایی که آغاز آن به تحولات سیاست خارجی آمریکا از سال ۱۹۴۵ برمی‌گردد، از نگاه برخی، رهاورد مهاجران اروپایی به آمریکا است. (Snyder, 2011:75) تصور این نظریه بر این است که منازعه قدرت در روابط بین‌الملل محدودیت‌هایی پدید می‌آورد که آرمان‌ها، قوانین و رویه‌ها می‌بایست در چارچوب آن اعمال شوند. (Snyder, 2011:75) واقع‌گرایی آمریکایی از آغاز با چند تضاد اساسی مواجه بوده که امواج پیاپی واقع‌گرایی در نظریه و عمل نتوانسته این تناقض‌ها را حل و فصل کند. این تناقض‌ها عبارتند از: بدبینی واقع‌گرایانه در برابر خوش‌بینی لیبرالی، جهان‌گرایی آرمانی در برابر نتیجه‌گرایی اقتضایی، انسان‌علمی در برابر سیاست قدرت و جایگاه نخبگان در برابر افکار عمومی. (Snyder, 2011:55) واقع‌گرایان همواره نظم و امنیت را بر آزادی و عدالت و استبداد را بر آشوب و بی‌نظمی ترجیح می‌دهند؛ زیرا در چنین محیطی، هیچ‌یک از واحدهای شکل‌دهنده نظام بین‌الملل از امنیت خود مطمئن نبوده و از این‌رو نسبت به واقعیت‌های قدرت به شدت حساس بوده و از هرگونه چالشی برای دستیابی به موقعیت مطلوب از نظر سطح قدرت فروگذار نمی‌کنند. در چنین فضایی دولت‌ها به شدت به رفتار یکدیگر حساسیت نشان می‌دهند، زیرا هرگونه افزایش قدرت برای تضمین امنیت به معنی تهدید امنیت دیگران است.

بنیان‌گذاران «واقع‌گرایی تهاجمی» از جمله جان مرشایمر و «واقع‌گرایی تدافعی» از جمله استفن والت و جان اسنایدر به دنبال موازنه قوا و بازدارندگی هسته‌ای میان دولت‌ها در برابر تهدیدها با سایر قدرت‌ها هستند. از نظر آن‌ها، ماهیت هرج و مرج گونه نظام بین‌الملل و منطق آن تشویق به جنگ را ضروری نمی‌کند، بلکه مشوق خویش‌داری است. دولتمردان هوشمند نیز به خوبی از این منطق بهره‌گیری می‌کنند. از نظر هواداران این مکتب، تجاوزهای آلمان و ژاپن در جنگ جهانی دوم نه ناشی از منطق هرج و مرج، بلکه ناشی از سوءبرداشت‌ها از منطق موازنه قوا و آسیب‌های داخلی سیاسی بوده که باعث شد دولت‌های این کشورها به مقابله با منطق موازنه قوا اقدام نمایند. برای واقع‌گرایان تدافعی، افکار عمومی مردم سالارانه همانند نیرویی بازدارنده در مقابل نخبگان خودخواه مانند فاشیست‌های ژاپنی و نازیسم‌های آلمانی عمل می‌کند. از نظر هر دو دیدگاه، در تبیین

انگیزه‌های دولت‌ها همواره باید به سه انگیزه مرتبط باهم شامل «امنیت» «قدرت» و «گسترش طلبی» به صورت هم‌زمان توجه کرد؛ اما تفاوت دو دیدگاه در این است که از نظر واقع‌گرایی تهاجمی، اقدام تهاجمی به امنیت می‌انجامد، اما واقع‌گرایی تدافعی آن را نمی‌پذیرد. (Snyder, 2011:67) در هر دو مکتب مرجع اصلی امنیت، دولت بوده و تجهیزات، دانش و فناوری دفاعی ابزارهای تأمین امنیت به‌شمار می‌روند. (قیصری، ۱۳۹۳: ۸۳۸-۸۳۵)

مکتب واقع‌گرایی، در قالب سنتی و یا جدید خود، حاوی برخی مفاهیم کلیدی بوده که توجه به مبنا و معنای آن‌ها، بسیاری از رفتارهای امروزی واقع‌گرایان را معنادار و موجه ساخته است. انتخاب چنین مفاهیمی به حکم سلیقه نبوده و همان مفاهیمی هستند که در دو اثر برجسته مکتب واقع‌گرایی یعنی «لویاتان» و «سیاست میان ملت‌ها» به تأکید و تکرار بیان شده‌اند. براساس آموزه‌های هابز، منفعت، انگیزه عمل است و قدرت وسیله آن؛ در مکتب واقع‌گرایی آنچه مهم شمرده می‌شود، «وظیفه رسمی» سیاستمداران و نه «انگیزه‌ها و اندیشه‌های شخصی» یا «اخلاقی» آنان است. بنابراین، از نگاه واقع‌گرایان پیشینی، تقدم با منافع است. توماس هابز، منفعت‌طلبی را در قالب دو موضوع «آز» و «نیاز» به تفصیل مورد بحث قرار داده و آن دو را علت اصلی تمام رفتارها و کردارهای شهروندان می‌نامد. واقع‌گرایان پسینی هم تمام کوشش‌های اخلاقی و معطوف به خیر و اخلاق سیاستمداران را نوعی خواست شخصی تلقی کرده و آن را به کنار می‌گذارند. هابز به سلف خود «توسیدید» استناد می‌کند که می‌گوید: «وحدت منافع، قطعی‌ترین عامل پیوند در روابط میان ملت‌ها و همچنین میان افراد است».

نگرش مکتب واقع‌گرایی به روابط بین‌الملل بر سه باور اصلی استوار است: اول آنکه، دولت‌ها بازیگران اصلی سیاست جهانی بوده و در این میان نقش قدرت‌های بزرگ مهم‌تر است؛ زیرا این دولت‌ها بر سیاست بین‌الملل حاکم بوده، به آن شکل داده و منشأ وقوع مهلک‌ترین جنگ‌ها هم هستند. دوم آنکه، رفتار قدرت‌های بزرگ به‌طور عمده تحت تأثیر محیط بیرونی است. ساختار نظام بین‌الملل، بخش بزرگی از سیاست خارجی دولت‌ها را شکل داده و قدرت‌های بزرگ جدا از نوع فرهنگ و نظام سیاسی، بر مبنای منطق واحدی

عمل می‌کنند. سوم آنکه، بر مبنای واقع‌گرایی، آنچه بر دولت‌ها حاکم است تمایل به افزایش قدرت است و آنان برای کسب قدرت در میان خود به رقابت می‌پردازند. البته این گونه رقابت‌ها گاهی موجب بروز جنگ می‌شود. واقع‌گرایی جنگ را ادامه سیاست با ابزاری دیگر تعریف می‌کند. در این شرایط ویژگی و خصوصیت این رقابت، بازی با حاصل جمع جبری صفر است. (عباسی‌اشلقی، ۱۳۸۳: ۵۲۵)

۲-۳. محیط‌شناسی ترکیه

۲-۳-۱. حزب عدالت و توسعه

ترکیه کنونی با حزب عدالت و توسعه شناخته می‌شود. حزب عدالت و توسعه در ۱۴ اوت ۲۰۰۱ تأسیس شد. این حزب به شجره‌نامه احزاب جنبش اسلامی وابسته است که با حزب نظام ملی در سال ۱۹۷۰ آغاز و با حزب سلامت ملی در سال ۱۹۷۲، حزب رفاه در سال ۱۹۸۳ و حزب فضیلت در سال ۱۹۹۸ تداوم یافت. (احمدی و حاتم‌آبادی فراهانی، ۱۹: ۱۳۹۰) سران حزب عدالت و توسعه به‌لحاظ تربیت و آموزش، فعالیت سیاسی و گذشته حزبی، اسلام‌گرا هستند، اما از زمانی که اندیشه تأسیس حزب عدالت و توسعه شکل گرفت، مؤسسان حزب برای برون‌رفت از فشارهای زیادی که به جنبش‌های اسلامی در ترکیه وارد می‌آمد، به دنبال گفتمان جدیدی بودند که از ریشه اسلامی آنان جدا نباشد و درعین حال با نظام حاکم برخورد نکند و بهانه‌ای درست نکند که «مرحله ۲۸ فوریه»^۱ بار دیگر تکرار شود و اسلام‌گرایان بار دیگر زیر فشار قرار گیرند. بر این اساس نخستین کنگره حزب عدالت و توسعه با شعار «کار برای تمام ترکیه» تشکیل شد و «رجب طیب اردوغان» نیز در سخنرانی افتتاحیه، موازنه‌ای به‌عمل آورد و نه از آتاتورک یادی کرد و نه نامی از اسلام به زبان آورد. وی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و موافقت‌نامه اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تأکید نمود و اظهار داشت که جدایی دین

۱. کودتایی که در سال ۱۹۹۷ منجر به سقوط کابینه و استعفای نجم‌الدین اربکان شد. اربکان از این کودتا به‌عنوان کودتای پسانوگرا (پست‌مدرن) یاد می‌کند. اربکان معتقد بود کودتای یادشده طرحی آماده‌شده از سوی رژیم صهیونیستی بود که به دستور آمریکا عملی شد.

از سیاست (سکولاریسم) اصل اساسی صلح اجتماعی و به معنی بی طرفی دولت در قبال عقاید دینی است. «عبدالله گل» نیز یک روز پس از تأسیس حزب اعلام کرد: «حزب ما یک حزب دینی نیست و تلاش می‌کنیم که نماینده همه باشیم. در میان مؤسسان، باحجاب و بی حجاب، افراد با ریش و بدون ریش وجود دارند. حزب سیاسی وسیله‌ای برای تبلیغ نیست، بلکه برای خدمت است. هدفمان فعالیت و کار برای ارائه مفهوم جدیدی در سیاست است». (نورالدین، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۴۱) روشنفکران اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه معتقد بودند در نبود آزادی و دموکراسی، در اندازه معیارهای اروپایی، آنان نمی‌توانند شرایط مساعدی برای زندگی دینی فراهم کنند. (احمدی و حاتم‌آبادی فراهانی، ۱۳۹۰: ۲۱)

دولت اردوغان در دوره اول حکومت خود، پرهیز از افراط‌گرایی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود. این اقدام بسیاری از اتهام‌هایی که گروه‌های مخالف به دولت اردوغان وارد می‌آوردند و امیدوار بودند به این وسیله با کمک ارتش و نهادهای ضد دین (لائیک) مانع از اجرای برنامه‌های آن شوند را خنثی نمود. حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۷ برای اثبات رفتار اعتدالی خود، ۱۵۶ نفر از نمایندگان حزب در مجلس قبلی را که گرایش‌های تند داشتند را از فهرست نامزدهای حزب حذف و چهره‌های شاخص سیاسی، دانشگاهی و فن‌سالار را که معروف به «میان‌رو» بودند را جایگزین آن‌ها ساخت. (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۷۶)

۲-۳-۲. سیاست خارجی ترکیه

جهت‌گیری سیاست خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه بر اساس دو گفتمان تمدنی و رویکرد ژئوپلیتیک شکل گرفت. در واقع می‌توان سیاست خارجی حزب حاکم عدالت و توسعه را در قالب مفهوم و الگوی نوع‌ثمنانی‌گرایی این حزب تفسیر و تحلیل کرد که اولین بار در دوران «تورگوت اوزال» پایه‌گذاری شد و هدف آن برقراری مناسبات گسترده و همه‌جانبه با همه کشورهای اطراف ترکیه بود. به‌طور قطع و یقین، نگاه اوزال تفاوت‌های اساسی با نوع‌ثمنانی‌گرایی حزب عدالت و توسعه داشت. در ادبیات حزب عدالت و توسعه، نوع‌ثمنانی‌گرایی مفهوم مرکبی است که این حزب بانی آن

شمرده می‌شود، زیرا متغیرهای درونی نوع اخیر متکثرترند؛ بنابراین، تعریف نوع‌شمایی‌گرایی در ادبیات حزب عدالت و توسعه به‌عنوان زنده‌سازی مجدد روح امپراتوری و پیروی از سیاست خارجی و داخلی عثمانیان نیست، بلکه چارچوبی متکی بر کل گفتمان‌های داخلی ترکیه در یک حالت تعدیل‌شده است که این حزب سعی دارد آن را به‌عنوان هویت غالب خود و یک الگوی مناسب برای دیگران نشان دهد. (کالچی، ۱۳۸۸: ۷۵) برخی معتقدند این حزب از درون کشمکش میان طرفداران جدایی‌دین از سیاست (سکولارها) و اسلام‌گرایان به قدرت رسید. (Robins, 2007:89) تبدیل غرب آسیا و شمال آفریقا به کانون توجه تلاش‌های سیاست خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه نشان از وجود بعد قدرتمند هویتی در سیاست خارجی جدید این کشور دارد. (مسعود نیا، ۱۳۹۴: ۹۲)

سیاست خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه بر دو اصل استوار گردید:

- حضور فعال منطقه‌ای با اتخاذ قدرت نرم در سیاست خارجی: در این رابطه حل‌وفصل مشکلات با همسایگان، حل‌وفصل اختلافات قومی با افراد و ایفای نقش میانجی در حل‌وفصل مسائل منطقه‌ای، از جمله اقدام‌های ترکیه محسوب می‌گردد. در تحولات اخیر غرب آسیا، مسائل سوریه موقعیت مناسبی را برای ترکیه فراهم ساخت تا این کشور، هم به جهت پیوستگی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی با این کشور از جمله وجود منطقه ژئوپلیتیکی مشترک کردنشین و هم به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، به ایفای نقش فعال بپردازد. (قدسی، ۱۳۹۱: ۱۶۲)

- معرفی ترکیه به‌عنوان الگویی از یک کشور اسلامی و مردمسالار: این اصل در سیاست خارجی ترکیه در دو بعد الگو بودن به‌عنوان یک کشور مردمسالار که ترکیه همواره مدعی بوده یک نمونه موفق در جهان اسلام است و نیز الگو بودن به‌عنوان یک کشور مسلمان در جهان اسلام قابل تبیین است. در خیزش‌های مردمی اخیر در کشورهای غرب آسیا، ترکیه حضور بسیار پررنگی در حوزه دیپلماسی و قدرت نرم به نمایش گذاشت. به‌عنوان نمونه، «راشد الغنوشی» از حزب «النهضة» تونس که در ابتدای این خیزش‌ها گفته بود که «انقلاب ما از انقلاب امام خمینی (علیه‌السلام) تأسی نموده است»، در یک تغییر رویکرد گفت که «الگوی ما حزب عدالت و توسعه ترکیه است». (خزایی، ۱۳۹۰: ۱۵)

حزب عدالت و توسعه پس از به قدرت رسیدن، اعلام کرد که ترکیه در یک شرایط منحصر به فرد برای پیوند و ایجاد سازش بین اسلام، مردمسالاری و جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) قرار دارد. (مرادیان، ۱۳۸۵: ۵۹۰) در همین مورد وزیر خارجه وقت آمریکا نیز گفت که «مردم غرب آسیا و شمال آفریقا به ویژه در پی فراگیری درس‌هایی از تجربه ترکیه هستند. این مسئله‌ای حیاتی است که آن‌ها درس‌هایی را یاد بگیرند که ترکیه یاد گرفته است». (Dal&Ersen, 2014:269) «محمد عاکف»، هفتمین مرشد عام اخوان المسلمین نیز، در پیام تبریک خود به انتخاب دوباره اردوغان گفت که این انتخاب «شاهدی است بر توانایی احزاب اسلامی برای دستیابی به توسعه قانونی، سیاسی و اقتصادی و نیز اصلاحات اجتماعی». (Khalifa, 2017:107)

سیاست خارجی ترکیه از سال ۲۰۰۲ به بعد، توسط «داوود اوغلو» نظریه‌پردازی شد. (Perthes, 2010: 2) برای درک و شناخت سیاست خارجی ترکیه و هدف‌های آن در منطقه غرب آسیا، ناگزیر باید تحلیل را از اندیشه‌های وی شروع کرد. داوود اوغلو، مهم‌ترین دیدگاه‌های خود را در قالب دو گفتمان «عمق راهبردی» و «به صفر رساندن اختلافات با همسایگان» عرضه کرده است. (پارساپور، ۱۳۹۱: ۵۶) دیدگاه تمدنی وی بر سه پیش فرض استوار بود:

(۱) تمدن اسلامی تفاوت‌های معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی ویژه خود با غرب را دارد؛

(۲) ترکیه بخشی از تمدن اسلامی است؛

(۳) ترکیه با احراز رهبری کشورهای مسلمان منطقه می‌تواند بر هویت دوگانه خود

چیره شود. (یاووز، ۱۳۸۹: ۳۶۶)

داوود اوغلو در کتاب «عمق استراتژیک» استدلال می‌کند: «جمهوری ترکیه روابط با دیگر کشورها از جمله شمال آفریقا و غرب آسیا را نادیده گرفته و ترکیه امروز نیازمند بازی کردن در نقش‌های بزرگ‌تر است. (هینه بوش و احتشامی، ۱۳۹۰: ۶۲) دکترین «عمق راهبردی» بیان‌کننده این است که ارزش یک کشور در روابط بین‌الملل، از موقعیت «ژئواستراتژیک» و عمق تاریخی آن نشئت می‌گیرد. بر همین اساس ژئوپلیتیک، هسته اصلی این رهنامه را تشکیل

می‌دهد. (پورابراهیم، ۱۳۹۳: ۱۱۲) به اعتقاد داوود اوغلو ترکیه در سیاست خارجی خود باید بتواند هم‌زمان با تمام مناطق پیرامون خود تعامل کرده و در آن‌ها حضور داشته باشد. (اوغلو، ۱۳۹۱: ۶۱۱) ترکیه با این تعریف تازه از خود و سیاست خارجی‌اش، توجه خویش را به غرب آسیا معطوف ساخت. تبدیل غرب آسیا به کانون توجه تلاش‌های سیاست خارجی ترکیه نشان از وجود بعد قدرتمند هویتی در سیاست خارجی جدید این کشور داشت. ترکیب این مسئله با تاریخ و جغرافیا در قالب رهنامه «عمق راهبردی» سبب شد که ترکیه هدف خود در غرب آسیا را از تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای تغییر داده و تبدیل شدن به قدرت مرکزی را در دستور کار خویش قرار دهد. (Nasr, 2006: 82) از دید «رجب طیب اردوغان» رهبر حزب عدالت و توسعه، ترکیه تنها کشور غرب آسیاست که می‌تواند با مجموعه‌ای از کشورها مانند ایران، رژیم صهیونیستی، آمریکا، اعراب و اروپا تعامل داشته و این به‌منزله قدرت نرم ترکیه شمرده می‌شود که کمتر کشوری چنین ظرفیتی را داراست. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۴۰) اهمیت این امر در روش برخورد ترکیه با مسائل و بحران‌های منطقه‌ای مشخص می‌شود.

با توجه به مطلوبیت‌های سیاست خارجی ترکیه، دولتمردان حزب عدالت و توسعه سعی نمودند تا با استفاده از قدرت نرم، نفوذ خود در منطقه را گسترش دهند. در این راستا با برقراری روابط اقتصادی و سیاسی و البته فرهنگی، با بیشتر کشورهای اسلامی از غرب آسیا تا آسیای میانه، سعی در ارتقای جایگاه خود در منطقه داشتند. با وقوع انقلاب‌های عربی، رهبران ترک این فرصت را مغتنم دانستند تا با معرفی نوع حکومت خود، الگوی حکومتی خود را به کشورهای منطقه تسری داده و نفوذ خود را در منطقه ارتقا دهند. رهبران ترکیه در تلاش بودند تا خود را در مسائل منطقه دخیل کرده تا از این راه، وجهه بین‌المللی خود را افزایش دهند. تلاش در جهت بهبود روابط فلسطین و رژیم اشغالگر قدس، همکاری با کشورهای عربی منطقه در قالب اجلاس اتحادیه عرب، همکاری با غرب و حضور به‌عنوان نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در لبنان، همراهی با غرب در قالب نیروهای ناتو در افغانستان، تلاش در جهت حل مناقشه هسته‌ای ایران، بهبود روابط با همسایگان خود، حضور در قفقاز و آسیای مرکزی و سعی در حل برخی مشکلات این

منطقه و تلاش گسترده رهبران ترکیه برای مدیریت انقلاب‌های عربی، اقدام‌هایی از این قبیل بودند. (اقبال، ۱۳۹۳: ۴۱)

۲-۳-۳. وضعیت فرهنگی اجتماعی ترکیه

در ارتباط با اثرگذاری فرهنگی، حزب عدالت و توسعه با رسیدن به قدرت، تلاش نمود تا گستره نفوذ خود را به فراتر از مرزهای ترکیه افزایش داده و در تحولات منطقه‌ای به‌عنوان یک بازیگر اصلی ظاهر شود. استفاده از نزدیکی فرهنگی که بین ترکیه با مناطق ترک‌نشین و یا ترک‌زبان کشورهای پیرامونی و همچنین برخی کشورهای امپراتوری عثمانی سابق وجود دارد و از طرفی، هویت چندفرهنگی و جذاب ترکیه، باعث گردید تا رهبران حزب عدالت و توسعه تلاش نمایند تا با استفاده ابزاری از اشتراک‌های فرهنگی، به‌دنبال منافع سیاسی، تجاری و راهبردی خود نیز باشند و جایگاه خود را نزد افکار عمومی این کشورها بالا برده و از این راه نفوذ خود را ارتقا بخشند. (صیوحی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۷)

می‌توان گفت پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، این حزب با رویکردی «محافظه‌کارانه» و «مسالمت‌جویانه» تلاش داشت نقش متوازن‌کننده‌ای را برگزیند. در این دوره تمام سعی این حزب، بر تبدیل ترکیه به یک قدرت منطقه‌ای معطوف بود. از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ که تاکنون نیز ادامه دارد این حزب با برداشتی که از نقش تمدنی ترکیه داشت به‌منظور ترجمه عملیاتی این رویکرد، از هیچ کوششی فروگذاری نکرد. در واقع، این دوره از زمان رخداد تحولات در کشورهای عربی در منطقه، آغاز شد. در ابتدا ترکیه در قبال تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا موضعی همراه با تردید داشت و به اتخاذ سیاست جدیدی در این منطقه روی آورد و با تأکید بر رویکرد تمدن‌ساز خود سعی در ایفای نقش رهبر منطقه‌ای داشت و تحولات منطقه را فرصتی برای تثبیت «استیلاجویی» خود در منطقه قلمداد کرد. در مراحل پیشین، ترکیه به‌طور عمده بر قدرت نرم خود در منطقه تکیه داشت، اما با شروع تحولات منطقه به‌ویژه در سوریه، نخبگان حزب عدالت و توسعه نقش متفاوتی را ایفا نمودند. (پورابراهیم، ۱۳۹۳: ۱۴۳)

۲-۳-۴. نقش ترکیه در تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا

دولتمردان حزب عدالت و توسعه، با شروع تحولات در راستای افزایش نفوذ منطقه‌ای ترکیه، تلاش داشتند تا خود را حامی جدی آغاز اصلاحات اساسی در غرب آسیا و شمال آفریقا نشان دهند و حتی رهبری اصلاحات در منطقه را بر عهده گیرند. به‌ویژه با توجه به اینکه حرکت‌های انقلابی و اعتراضی در منطقه بدون رهبری مشخص، خودجوش و مردمی بود. در این میان، برخی کارشناسان بر این اعتقادند که ترکیه در پیگیری این هدف‌ها، از انگیزه‌های رقابت با ایران نیز برخوردار است؛ زیرا ج.ا.ایران هم به‌واسطه تجربه مهم‌ترین انقلاب منطقه در سه دهه قبل و هم دفاع همه‌جانبه از انقلاب‌های مردمی از موقعیت ممتازی برای اثرگذاری در تحولات موسوم به بیداری اسلامی برخوردار است. به‌گونه‌ای که برخی محافل غربی و رژیم صهیونیستی، از ابتدای شروع انقلاب‌های مردمی در منطقه، در مورد اثرپذیری آن‌ها از گفتمان و رویکرد ج.ا.ایران ابراز نگرانی می‌کردند. (بیری، ۱۳۹۱: ۱۸)

رهبران حزب عدالت و توسعه برای اثرگذاری بر تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا خود را الگوی میان دو جریان افراطی «اقتدارگرایی سکولار» و «بنیادگرایی اسلامی» می‌دانستند. (Duran&Yilmaz, 2011:1)

در چنین فضایی، ترکیه به‌منظور تقویت نقش و نفوذ منطقه‌ای خود به رهبری فرایند اصلاحات در منطقه تمایل داشت. در کشورهایی چون تونس و مصر که چشم‌انداز بقای حاکمان به‌طور کامل تیره و پیروزی انقلاب‌ها قطعی بود، با موضع‌گیری آشکار بر ضد حاکمان این کشورها، خواستار کناره‌گیری آنان از قدرت بود. اما در کشورهایی که سرنوشت انقلاب‌ها در آن‌ها نامعلوم بود، ترکیه بیش‌تر به تماس با طرفین منازعه در آن کشور، به‌ویژه درخواست از رژیم‌های حاکم برای اجرای اصلاحات اساسی، از راه برقراری تماس‌های دیپلماتیک، تمایل داشت. (امیری، ۱۳۹۱: ۶) به‌همین دلیل تحلیل‌گران سیاست خارجی ترکیه معتقدند که رهبران حزب عدالت و توسعه برخورد متناقضی را در برابر تحولات از خود نشان دادند. (علی‌حسینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱)

دولت ترکیه تلاش داشت تا الگوی حکومتی خود را به‌عنوان الگویی مناسب به کشورهای منطقه معرفی کند. مقام‌های ترکیه مدعی تجربه موفق کشورشان در تلفیق

مناسب و کارآمد اسلام و مردمسالاری هستند. برای نمونه، «راشدالغنوشی»، رهبر حزب «النهضة» تونس، از ترکیه به‌عنوان الگوی موفق رشد و توسعه اقتصادی در میان کشورهای اسلامی یاد کرد. (بیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۴) این گروه‌ها رویکرد حزب عدالت و توسعه را رویکرد نوین و کارآمدی در عصر جدید دانسته و بر این نظرند که رهبران ترکیه توانستند، با حفظ اصول و ارزش‌های اسلامی، ارزش‌های جدیدی همچون مردمسالاری و بازار آزاد را با رویکردی تلفیقی به جامعه ترکیه وارد کنند. (Duran&Yilmaz, 2011:1)

حامیان تسری الگوی ترکیه به کشورهای منطقه بر این نظرند که جنبه‌های اسلامی حکومت ترکیه، که آن را «اسلام میانه‌رو» خوانده‌اند و نیز تأکید بر توسعه و پیشرفت اقتصادی، زمینه مطلوبی را برای پذیرش این نوع حکومت در کشورهای منطقه فراهم کرده است. درعین حال، آن‌ها تأکید می‌کنند در یک دهه اخیر با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، این حزب تلاش کرده روندهای مرتبط با جریان طرفدار جدایی دین از سیاست (سکولار) و اسلام‌گرا را در یک مدار مشترک تعریف کند. (ارغوانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۲)

۳. یافته‌های تحقیق

۳-۱. تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

در این پژوهش به‌منظور توصیف ابعاد مسئله از دیدگاه نخبگان، پرسش‌های مصاحبه بر اساس مطالعات اکتشافی تنظیم گردید و با روش گلوله برفی، با کمک مصاحبه‌شوندگان جامعه آماری تحقیق شناسایی و برای ادامه پژوهش مصاحبه و توزیع پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. با تعریف متغیر مستقل با عنوان «مطلوبیت‌های سیاست‌های خارجی ترکیه برای نقش‌آفرینی در تحولات منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا» تعداد ۱۱ شاخص به شرح جدول شماره (۲) برای متغیر مورد اشاره معرفی شد.

جدول شماره (۲): هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی امنیتی خارجی ترکیه در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا

ردیف	هدف‌ها و مطلوبیت‌ها	ردیف	مؤلفه‌ها
۱	مدیریت و رهبری اهل سنت جهان	۷	تضعیف محور مقاومت در چارچوب مناسبات با رژیم صهیونیستی
۲	ارتقای نقش منطقه ای و بین‌المللی ترکیه	۸	دفع تهدیدهای امنیت ملی ناشی از تهدیدهای سرزمینی
۳	رقابت با ایران	۹	دنباله‌روی از آمریکا و غرب و پیشبرد هدف‌های آن‌ها
۴	جاه‌طلبی رهبران ترکیه	۱۰	حمایت از اخوان‌المسلمین
۵	منافع ژئوپلیتیک و چشمداشت سرزمینی	۱۱	عثمان‌گرایی نوین
۶	کسب منافع اقتصادی		

با تهیه پرسشنامه محقق ساخته و مقیاس سنجش شاخص‌های بالا، رتبه‌ای و بر اساس طیف پنج گزینه‌ای لیکرت از (خیلی زیاد) تا (خیلی کم)، اندازه‌گیری شده است. در این پژوهش، روایی منطقی پرسشنامه‌ها از دو جنبه روایی ظاهری و محتوایی یعنی روشن و بدون ابهام بودن گویه‌ها و همچنین کفایت کمیت و کیفیت آن‌ها از سوی خبرگان و صاحب‌نظران و استادان دانشگاه تایید گردید. (جدول شماره ۳).

جدول شماره (۳): گویه‌های پرسش هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی امنیتی ترکیه در قبال تحولات

ردیف	گویه‌ها	فراوانی مشاهده شده					نتیجه آزمون
		۵	۴	۳	۲	۱	
۱	پیشبرد راهبرد عثمانی‌گرایی نوین	۱۸	۱۸	۵	۱	۱	تأیید گویه
۲	ارتقای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی	۲۷	۱۵	۰	۱	۰	تأیید گویه
۳	تضعیف موقعیت ایران در چارچوب رقابت با آن	۷	۲۸	۶	۲	۰	تأیید گویه
۴	کسب رهبری اهل سنت	۱۳	۲۴	۳	۳	۰	تأیید گویه
۵	کسب منافع اقتصادی اعم (در حوزه انرژی و غیره)	۱۵	۲۲	۱	۵	۰	تأیید گویه
۶	منافع ژئوپلیتیک و چشمداشت سرزمینی نسبت به کشورهای منطقه	۹	۲۴	۸	۲	۰	تأیید گویه
۷	تضعیف محور مقاومت در چارچوب مناسبات با رژیم صهیونیستی	۴	۱۰	۱۱	۱۶	۲	تأیید گویه
۸	دفع تهدیدهای امنیت ملی ناشی از تهدیدهای سرزمینی	۷	۲۰	۸	۸	۰	تأیید گویه
۹	جاه‌طلبی‌های شخصی رهبران حزب عدالت و توسعه	۱۳	۲۸	۱	۱	۰	تأیید گویه
۱۰	دنباله‌روی از آمریکا و غرب و پیشبرد هدف‌های آن‌ها	۳	۱۲	۱۲	۱۶	۰	تأیید گویه
۱۱	حمایت از اخوان‌المسلمین	۱۶	۲۰	۷	۰	۰	تأیید گویه

۲-۳. تحلیل استنباطی ابعاد و مؤلفه‌های مؤثر اصلی پرسشنامه

در این پژوهش داده‌های به‌دست‌آمده از راه مصاحبه‌ها به کمک روش تحلیل محتوای کیفی مورد تحلیل قرار گرفت. از آنجا که در این پژوهش، مقیاس در نظر گرفته شده برای گردآوری داده‌ها از راه پرسشنامه، مقیاس رتبه‌ای می‌باشد، برای بررسی روایی پرسشنامه از تحلیل عاملی، برای بررسی پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ، برای بررسی توزیع داده‌های پرسشنامه به لحاظ نرمال یا غیرنرمال بودن از آزمون K-S (کولموگروف - اسمرینوف) جدول شماره (۴)، استفاده گردید.

جدول شماره (۴): آزمون کولموگروف - اسمرینوف

متغیر	میانگین	انحراف معیار	مقدار K-S محاسبه شده	سطح معناداری	نتیجه آزمون
مطلوبیت‌ها و سیاست‌های خارجی ترکیه	۳/۸۹۶	۰/۴۲۱	۰/۱۲۴	٪۹۵	نرمال است

پس از تأیید مطلوبیت‌ها و هدف‌های ترکیه، با توجه به زیادبودن گویه‌های شناسایی شده، در یک تحلیل استنباطی جداگانه با استفاده از آزمون فریدمن، رتبه‌بندی گویه‌ها از نظر اهمیت و تأثیر در سیاست‌های ترکیه در قبال تحولات بررسی و اولویت‌بندی گویه‌ها صورت گرفت. برای این منظور ابتدا فرضیه‌هایی به شکل زیر تدوین و مورد آزمون قرار گرفت:

H0: مطلوبیت‌ها و هدف‌های سیاست خارجی ترکیه از جهت اولویت‌بندی یکسان است.

H1: هدف‌ها و مطلوبیت‌های ترکیه از جهت اولویت باهم تفاوت معنادار دارند.

بر اساس خروجی جدول شماره (۴) چون سطح معناداری کمتر از میزان خطای ۰/۰۵ به‌دست آمده است، فرضیه H1 مورد تأیید واقع می‌گردد. این به آن معناست که مطلوبیت‌ها و هدف‌های سیاست خارجی ترکیه در قبال تحولات یکسان نبوده و از نظر میانگین تأثیری که در اثرگذاری این کشور بر تحولات دارند، باهم متفاوت هستند. بر همین اساس مطلوبیت‌های ترکیه بر مبنای میانگین اهمیت در جدول شماره (۵) ارائه شده است.

جدول شماره (۵): اولویت‌بندی هدف‌ها و مطلوبیت‌های سیاسی امنیتی ترکیه در اثرگذاری بر تحولات

رتبه میانگین	شاخص	ردیف
۸/۴۴	ارتقای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی	۱
۷/۰۱	جاء‌طلبی‌های شخصی رهبران حزب عدالت و توسعه	۲
۶/۹۹	پیشبرد راهبرد عثمانی‌گرایی نوین	۳
۶/۸۷	حمایت از اخوان‌المسلمین	۴
۶/۶۷	کسب منافع اقتصادی اعم (در حوزه انرژی و غیره)	۵
۶/۶۶	کسب رهبری اهل سنت	۶
۵/۸۸	منافع ژئوپلیتیک و چشمداشت سرزمینی نسبت به کشورهای منطقه	۷
۵/۸۷	تضعیف موقعیت ایران در چارچوب رقابت با آن	۸
۴/۸۷	دفع تهدیدهای امنیت ملی ناشی از تهدیدهای سرزمینی	۹
۳/۳۷	دنباله‌روی از آمریکا و غرب و پیشبرد اهداف آنها	۱۰
۳/۳۵	تضعیف محور مقاومت در چارچوب مناسبات با رژیم صهیونیستی	۱۱

Sig=0/000, x2=43, N=10, Df= 177/134

۴. نتیجه‌گیری

۴-۱. جمع‌بندی

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، ترکیه تا قبل از به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، در چارچوب رویکرد «کمالیسم»، تلاش ویژه‌ای برای روابط با اروپا، آمریکا و به‌طورکلی کشورهای غربی قائل بود؛ اما بعد از به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، رهبران این حزب با تعدیل در سیاست‌های پیشین، چرخش قابل توجهی نسبت به حوزه پیرامونی که شامل کشورهای اسلامی و قلمرو سابق امپراتوری عثمانی در غرب آسیا و شمال آفریقا است داشتند. با این حال و با وجود ادعای آنها مبنی بر پایبندی به مبانی اسلام‌گرایانه، ترکیه در سیاست خارجی خود همچنان بر اصل جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) به‌عنوان سنگ بنای «کمالیسم» پایبند ماند.

رویکرد حزب عدالت و توسعه در سیاست خارجی که در قالب رهنامه «عمق راهبردی» از سوی «احمد داوود اوغلو» نظریه‌پرداز مشهور این حزب مطرح و سرلوحه سیاست خارجی این کشور قرار گرفت، شامل عناصری چون نقش‌آفرینی عقیدتی (ایدئولوژیک) در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا، تبدیل شدن به الگوی کشورهای اسلامی در سطح منطقه و

خارج از آن، چندجانبه‌گرایی در تعاملات خارجی، کاهش مشکلات و تنش با همسایگان، رعایت تعادل در سیاست‌های منطقه‌ای و تعاملات با اروپا و آمریکا و سرانجام ایفای نقش فعال در صحنه بین‌المللی از راه‌های مختلف به‌ویژه میانجی‌گری در بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود. با بررسی سیاست خارجی ترکیه در طول ۱۵ سال گذشته می‌توان مصداق‌های فراوانی از اصول بالا را در رفتار سیاست خارجی ترکیه مشاهده کرد.

درواقع، پیگیری رویکرد «عمق راهبردی»، هدف‌ها و مطلوبیت‌های جدیدی به هدف‌ها و اولویت‌های سیاست خارجی ترکیه افزود که مهم‌ترین آن‌ها، احیای قدرت و نفوذ ترکیه در حوزه امپراتوری عثمانی بود. حوزه‌ای که اکنون شامل کشورهای مستقلمی است که در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا بر روی نقشه جهان ظاهر شده‌اند. این رویکرد، آمیزه‌ای از مطلوبیت‌های تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ترکیه است که از آن به‌عنوان عثمانی‌گرایی جدید یاد می‌شود.

اولویت دیگر ترکیه به‌دست آوردن جایگاه برتر در منطقه غرب آسیا و به‌ویژه رهبری جهان اهل سنت است. این اولویت تا به آن اندازه برای حزب عدالت و توسعه اهمیت دارد که در جریان تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا، «اردوغان» رئیس‌جمهور ترکیه آشکارا اعلام کرد ترکیه تنها کشور مسلمان عضو ناتو است که اسلام، مردم‌سالاری و دین‌ستیزی (لایسیتته) را گردهم آورده و می‌تواند به‌عنوان الگو قرار گیرد.

اسلام‌گرایی، مطلوبیت مهم دیگر در سیاست خارجی ترکیه دوران حزب عدالت و توسعه است که در دو بُعد «الگو بودن به‌عنوان یک کشور مردم‌سالار اسلامی» و همچنین «داعیه رهبری اهل سنت جهان» تبلور یافته است. سیاستی که در قالب نقش فعال ترکیه در مسائل جهان اسلام در کشورهای اهل سنت نمود یافته، مواردی که از قضیه فلسطین تا مسلمانان «اویغور» در چین و «تاتارهای» مسلمان روسیه را در بر می‌گیرد.

بر اساس آنچه بیان شد و طبق نتایج تحلیل‌های استنباطی که به‌منظور رتبه‌بندی مطلوبیت‌های ترکیه از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران صورت گرفت، هدف‌ها و مطلوبیت‌های ترکیه به ترتیب اهمیت عبارت‌اند از:

- (۱) ارتقای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی؛
- (۲) جاه‌طلبی‌های شخصی رهبران حزب عدالت و توسعه،
- (۳) پیشبرد راهبرد عثمانی‌گرایی نوین،
- (۴) حمایت از اخوان‌المسلمین؛
- (۵) به‌دست آوردن منافع اقتصادی اعم در حوزه انرژی و غیره؛
۶. به‌دست آوردن رهبری اهل سنت؛
۷. منافع ژئوپلیتیک و چشمداشت سرزمینی نسبت به کشورهای منطقه؛
۸. تضعیف موقعیت ایران در چارچوب رقابت با آن.

۴-۲. پیشنهادها

بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر برای مطالعات آتی و متصدیان اجرایی فعال در حوزه سیاست خارجی و امنیت بین‌المللی ارائه می‌شود:

(۱) منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا با شروع تحولات وارد مرحله جدیدی شده است. بر این اساس، لازم است نگاه ویژه به تحولات منطقه و کشورهای این حوزه به‌عنوان یک موضوع اولویت‌دار ملی در دستورکار سیاست خارجی و مراکز مطالعاتی و دانشگاهی کشور قرار گرفته تا با رویکرد آینده‌نگرانه، داده‌های مناسب و ضروری برای سیاست‌گذاری کشور به‌موقع تأمین گردد.

(۲) پژوهش حاضر با تمرکز بر نقش ترکیه به‌عنوان یکی از بازیگران مؤثر در تحولات منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا صورت گرفت. این در حالی است که به‌غیر از ترکیه بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی دیگری بر تحولات نقش داشته‌اند که اقدام‌های آن‌ها نیز منافع و امنیت ملی کشور را متأثر می‌سازد. از این‌رو، ضروری است برای تکمیل اطلاعات و تحلیل راهبردی کشور از تأثیر سایر بازیگران از جمله؛ عربستان، امارات متحده عربی، قطر، رژیم صهیونیستی، آمریکا، اروپا و حتی روسیه و چین، پژوهش‌های مشابه صورت پذیرد. مجموعه پیشنهادی، حلقه‌های به‌هم پیوسته‌ای است

که جورچین تحولات را کامل و بازشناسی نقش عوامل خارجی در تحولات را برای ج.ا.ایران آشکار می‌سازد.

(۳) بر اساس آنچه در پژوهش بیان شد، عمده خیزش‌ها در کشورهای عربی به نتایج مطلوب نرسید. برخی در مراحل اولیه یا میانه راه، منحرف شدند و برخی نیز به سرقت رفته و یا سرکوب گردیدند. سرنوشت ناکام تحولات از یک سو و تعهدات ارزشی ج.ا.ایران نسبت به ملت‌های مسلمان از سوی دیگر، آسیب‌شناسی این تحولات را برای مراکز پژوهشی ج.ا.ایران ضروری می‌سازد. به‌ویژه آنکه در نگاه مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی)، حرکت‌های بالا در امتداد روند تاریخی بیداری اسلامی شکل گرفته‌اند. روندی که در گذشته شکل گرفته و به‌یقین در آینده ادامه خواهد یافت.

منابع و یادداشت‌ها

الف. منابع فارسی

۱. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مجموعه بیانات. قابل دسترسی در: WWW.Khamenei.ir
۲. آجورلو، محمدجعفر، سیدیحیی صفوی و محمدرضا کفاش جمشید، (۱۳۹۶)، افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه و پیامدهای امنیتی آن بر منافع ملی ایران در شرق مدیترانه در مقطع زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴م، *فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک*، دوره ۱۳، شماره ۴۶.
۳. احمدی، حمید و فاطمه حاتم‌آبادی فراهانی، (۱۳۹۰)، سیاست داخلی و خارجی ترکیه از دیدگاه حزب عدالت و توسعه، *دانشنامه حقوق و سیاست*، دوره ۷، شماره ۱۵.
۴. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز، سید جواد صالحی و امیر ایمانی، (۱۳۹۶)، مؤلفه‌های ثبات و تهدید در روند دموکراسی ترکیه: ریشه‌یابی الگوی نوسانی دموکراتیک، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال ششم، شماره ۲۲، پاییز.
۵. اسماعیلی، بشیر، محمد زارع‌زاده و محمد فلاح، (۱۳۹۵)، افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*، دوره ۸، شماره ۲۸.
۶. افتخاری، اصغر، (۱۳۹۱)، *بیداری اسلامی در نظر و عمل*، تهران، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۷. افتخاری، اصغر، (۱۳۸۷)، *قدرت نرم و سرمایه اجتماعی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
۸. اقبال، اسماعیل، (۱۳۹۳)، تحلیل مؤلفه‌های قدرت نرم ترکیه (۲۰۰۲ تا ۲۰۱۲)، *مطالعات قدرت نرم*، شماره ۱۱، پاییز و زمستان.
۹. اکبری، نورالدین، (۱۳۸۷)، قدرت‌یابی اسلام‌گرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با ج.ا.ایران (۲۰۰۷-۲۰۰۲)، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۵.
۱۰. امیدی، علی و فاطمه رضایی، (۱۳۹۰)، عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه، *فصلنامه روابط خارجی*، سال سوم، شماره ۱۱.
۱۱. ببری، نیکنام، مجید عباسی و محمد مغنی، (۱۳۹۳)، سیاست خارجی ترکیه و بیداری اسلامی: مطالعه موردی تحولات مصر و تونس، *جستارهای سیاسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، شماره ۱.
۱۲. پارساپور، روزبه (۱۳۹۱)، «کنفدراسیون عربی، تهدیدی جدی جهت اشغال بحرین»، *ماهنامه پیام انقلاب*، شماره ۵۷.
۱۳. پورابراهیم، ناصر، (۱۳۹۳)، سیاست‌های جدید ترکیه در خاورمیانه، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال بیست و هشتم، شماره ۱.
۱۴. خزایی، سعید، (۱۳۸۹)، *جزوه درسی روش‌های آینده‌پژوهی*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۵. خزایی، سعید، (۱۳۹۰)، خیزش‌های مردمی کشورهای خاورمیانه از منظر علم آینده‌پژوهی، *گاهنامه‌نمای راهبردی مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی*، سال نهم، شماره ششم.

۱۶. داود اوغلو، احمد، (۱۳۹۱)، *عمق راهبردی موقعیت ترکیه در صحنه بین‌المللی*، ترجمه محمدحسین نوحی نژاد ممقانی، تهران: نشر امیرکبیر.
۱۷. رسولی ثانی‌آبادی، الهام، (۱۳۹۲)، بررسی تحولات انقلابی کشورهای عربی از منظر لیبرالیسم، سازه‌انگاری ونظریه انتقادی روابط بین‌الملل، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره دوم.
۱۸. شیرودی، مرتضی، (۱۳۸۸)، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی: تأثیرگذاری نمونه‌ها، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی*، سال پنجم، شماره ۱۶.
۱۹. صبوچی، مهدی و رحمت حاجی میشه، (۱۳۹۲)، بررسی مقایسه‌ای رویکرد ایران و ترکیه در قبال تحولات عربی: بررسی موردی تونس، مصر و لیبی، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره چهارم.
۲۰. عباسی اشلقی، مجید، (۱۳۸۳)، تحلیل امنیت در پارادایم‌های حاکم بر روابط بین‌الملل، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۲۵.
۲۱. علی‌حسینی، علی، علیرضا آقاحسینی و حسین عربیان، (۱۳۹۶)، نقش تحولات فکری رهبران حزب عدالت و توسعه در کنش‌های راهبردی ترکیه (تحلیل سازه‌انگارانه)، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد شهرضا*، شماره ۳۱.
۲۲. فرجی، یوسف، (۱۳۸۷)، *تئوری اقتصاد خرد*، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های انسانی.
۲۳. قدسی، امیر (۱۳۹۱)، تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها، *فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*، شماره یک.
۲۴. قیصری، نورالله، (۱۳۹۳)، مکاتب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال هفتم، شماره بیست و دوم، بهار.
۲۵. مرادیان، محسن، (۱۳۸۵)، *برآورد استراتژیک ترکیه: سرزمینی، دفاعی، اقتصادی، اجتماعی*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۲۶. مسعودنیا، حسین و مسعود رضایی، (۱۳۹۴)، اثرگذاری بیداری اسلامی خاورمیانه عربی بر روابط بین‌الملل، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال دوازدهم شماره ۴۰.
۲۷. موسوی، سیدحافظ، کیهان برزگر، سید عبدالعلی قوام و مهدی ذاکریان، (۱۳۹۵)، تأثیر تحولات جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال دوازدهم، شماره اول، بهار.
۲۸. نورالدین، محمد، (۱۳۸۳)، ترکیه به کدام سو؟ حزب عدالت و توسعه در قدرت، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، ترجمه عبدالرضا همدانی، شماره ۱.
۲۹. هینه‌بوش، ریموند و انوشیروان احتشامی، (۱۳۹۰)، *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ترجمه رحمن قهرمان پور، تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).
۳۰. یاووز، هاکان، (۱۳۸۹)، *سکولاریسم و دموکراسی اسلامی در ترکیه*، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.

ب. منابع انگلیسی

1. Aloudah, Haitham Saad, (2016), *Understanding the Sources of Turkish Foreign Policy Change toward the Middle East during the Justice and Development Party (AKP) era: An Empirical Examination Empirical Examination*, Thesis for the degree of Doctor of Philosophy in Politics, May 2016 University of Exeter.
2. Dal, Emel parlar and Ersen, Emre, (2014), Reassessing the “Turkish Model” in the Post-Cold War Era: A Role Theory Perspective, *Turkish Studies*, Vol. 15, No. 2.
3. Duran, B. & Yilmaz, N, (2011), Whose Model? Which Turkey? *Foreign Policy*, Available at: <<http://mideast.foreignpolicy.com/Posts/2011/02/08/>>
4. Khalifa, Mahmoud, (2017), Turkish Foreign Policy in the Middle East After Arab Spring, *International Relations and Diplomacy*, Vol. 5, No.2.
5. Nasr, Vali, (October 18, 2006), *The Shia Revival: How Conflicts within Islam Will Shape the Future*, the Voice for Ethnic Carnegie Council for Ethics in International Affairs.
6. Perthes, Volker, (2010), Turkey’s Role in the Middle East: An Outsider’s Perspective, *Insight Turkey*, No 4, Vol. 12, October-December.
7. Robins, Philip, (2007), Turkish Foreign Policy since 2002: Between a Post Islamist Government and a Kemalist State, *International Affairs*, Vol 83.
8. Snyder, Jack, (2011), *Theory Relations International of Invention, Foundation Rockefeller*, New York Press University Columbia.